

## نقد فیلم سینمایی سارا (اقتباسی از نمایشنامه ی خانه ی عروسک)

### چکیده

این مقاله نقدی تحلیلی بر فیلم سارا، یکی از سه گانه های ساخته ی داریوش مهرجویی در باره ی زنان و اهمیت و مشکلات آن ها در خانواده و جامعه، نگاه مردان به همسرانشان و جایگاه حقیقی زنان در زندگی مردان است به همراه تفاوت های این اثر با نمایشنامه ی خانه ی عروسک نوشته ی هنریک ایبسن که منبع اقتباسی این فیلم می باشد.

مراحل معرفی و سپس نقد من از فیلم سارا شامل مشخصات و عوامل سازنده فیلم، خلاصه ای از داستان، شخصیت های محوری، نقطه ی اوج فیلم، نماد های بکار گرفته شده در داستان و در نهایت تفاوت بین فیلم سارا و نمایشنامه ی خانه ی عروسک می باشد.

در این مقاله سعی من بر این بوده که بیشتر بر روی نشانه ها و نماد های به کار گرفته شده در فیلم و معنای دوم و کنایی آن ها و همچنین تحلیل زندگی یک زن ایرانی و جایگاه او در خانواده اش توجه شود.

### کلید واژه

زنان، عروسک، اقتباس، نماد، تحول

سمت نویسنده: دانشجوی کارشناسی رشته ی زیست جانوری در دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

فیلم سارا ساخته ی سال 1371 اثر اقتباسی کارگردان بنام ایرانی داریوش مهرجویی می باشد. این فیلم اقتباسی آزاد از نمایشنامه ی خانه عروسک نوشته ی هنریک ایبسن ، نویسنده و نمایشنامه نویس نروژی، نگاشته شده در سال 1879 است.

همانطور که ذکر شد سارا اقتباسی آزاد از نمایشنامه ی خانه ی عروسک است و در اقتباس آزاد محدودیتی در رعایت تمام المان ها و عناصر منبع اقتباس برای سازنده وجود ندارد؛ به همین دلیل است که کارگردان دستی باز در تغییر فضا ها، گفتگو ها و شخصیت های نمایشنامه داشته و می تواند صرفا از بستر موضوعی منبع اقتباس استفاده کند. به همین شیوه است که پس از بررسی هر دو اثر یعنی فیلم و نمایشنامه متوجه تفاوت هایی مابین این دو اثر شرقی و اروپایی میشویم. هر چند باید اشاره کرد که با وجود عنوان اقتباس آزاد از سوی کارگردان ، فیلم سارا تقریبا نسبت به خط سیر داستان و شخصیت ها و حتی دیالوگ ها به نمایشنامه متعهد بوده و به نظر اینجانب تغییرات جزئی صرفا به دلیل تفاوت فرهنگی و اجتماعی ما بین کشور هنریک ایبسن یعنی نروژ و زادگاه مهرجویی، ایران، می باشد.

نماد ها ی به کار گرفته شده در فیلم سارا بسیار متعهد به نمایشنامه می باشد و تنها در مواردی که برای یک فیلم ایرانی بی معنا طلقی می شده، بسیار هوشمندانه توسط کارگردان تغییر یافته و جایگزین شده است، این دلایل باعث شده که سارا اقتباسی قابل قبول از نمایشنامه ی خانه ی عروسک و یکی از بهترین فیلم های داریوش مهرجویی باشد.

## علت گزینش فیلم

دلیل من برای انتخاب فیلم سارا و نقد آن بررسی موضوعی بسیار مهم در بطن جامعه و فرهنگ ایرانی و حتی غیر ایرانی درباره ی زنان و ظلم های تحمیل شده به آنها و نگاه اشتباه عمده ی این زنان به جایگاه حقیقی خود در زندگی است. شیوه ی زندگی این گروه از زنان به قدری برای خودشان و دیگران عادی شده که زیر سوال بردن آن به مثابه ی شکستن تابویی در خانواده و گستاخی زن می باشد. هنگامیکه به زندگی معمول خود از بالا و به عنوان مثال یک فیلم نگاه می کنیم بسیاری از مسائل واضح تر به نظر می رسند و به ما کمک می شود که مسیر درست را انتخاب کنیم.

## خلاصه ای از فیلم

داستان به طور کلی در مورد زنی خانه دار به نام سارا و تحول روحی و عقیدتی او در طی اتفاقات داستان می باشد.

همسر سارا، حسام، مبتلا به بیماری ای سخت است و لازم می باشد که برای درمان به خارج از کشور برود، سارا در اقدامی فداکارانه و البته به دور از چشم همسرش از گشتاسب همکار حسام پول قرض می کند و امضای پدرش را در سفته هایی که به گشتاسب داده جعل کرده و به اینگونه هزینه های درمان

حسام را تامین می کند اما به دروغ به حسام می گوید که این پول از ارث خانوادگی ای است که به او رسیده.

پس از سه سال از این قضیا و بهبودی حسام، سارا همچنان در حال پرداخت نوبت قرض هایش به گشتاسب می باشد اما حسام که به تازگی ترفیع گرفته قصد اخراج گشتاسب را از اداره می کند. گشتاسب به سارا می گوید که اگر با وساطت نزد حسام مانع اخراج او نشود؛ راز سارا را نزد حسام افشا خواهد کرد؛ سارا تمام تلاشش را می کند که حسام را از اخراج گشتاسب منصرف کند اما فایده ای ندارد و در نهایت گشتاسب طی نامه ای راز سارا را افشا می کند. حسام بسیار سرخورده و عصبانی می شود و بدون در نظر گرفتن فداکاری هایی که سارا برای او کرده همه ی تقصیرات را گردن سارا می اندازد و سارا را حتی لایق تربیت فرزندانش نمی داند. گشتاسب پس از چند روز تصمیم می گیرد که سفته های سارا را برگرداند و راز جعل امضای او را افشا نکند، سپس حسام که حال خود را نجات یافته دیده خوشحال می شود و قصد دارد دوباره سارا را با آغوش باز بپذیرد که متوجه می شود که در اثر رفتار ها و خودخواهی هایش سارا را به کلی از دست داده است.

#### شخصیت های محوری داستان

سارا (نورای نمایشنامه) زنی ساده و معصوم است که دیدگاه ساده و پاکی نسبت به جامعه و اطرافیانش دارد. در ابتدا و پیش از نقطه ی اوج فیلم و تحولش عاشق همسر خود می باشد و هر فداکاری را برای او و خانواده اش انجام می دهد.

در نهایت متوجه اشتباه خود از شناخت شخصیت واقعی همسرش می شود و همچنین لازم میبیند که روند زندگی اش را تغییر دهد.

حسام: مردی سنتی نگر و درستکار در مسائل اداری و کارش می باشد. کار و حیثیت خود را از هر مسئله ای حتی زن و زندگی مهم تر می داند، به شدت از قرض گرفتن از دیگران بیزار است و به زنش به چشم یک عروسک نگاه می کند که باید کوچک ترین کارش را کنترل کرده و او را تربیت کند.

گشتاسب: مردی بد نام در محیط کار به دلیل سابقه ی جعل در اداره می باشد که روابط خوبی نیز با همکار و بعد ها رئیسش حسام ندارد. در ابتدای فیلم به نظر شخصی منفور می آید اما در خط سیر داستان متوجه نکاتی در زندگی او میشویم که قضاوت بیننده درباره ی زندگی اش را کمی تلطیف می کند.

#### تحلیل فیلم

فیلم سارا بستری اجتماعی خانوادگی دارد و موضوع اصلی آن در مورد زنان است. به خصوص زنانی که در خانواده در حقیقت بازیچه و عروسکی در دستان همسرشان هستند و اختیاری از خود ندارند. بیننده همراه با پیش رفتن اتفاقات فیلم متوجه جایگاه واقعی سارا در زندگی خانوادگی می شود و دلیل تصمیمات نهایی او را درک می کند.

از همان ابتدای فیلم سرویس دادن و خدمت کردن سارا به اطرافیانش با صحنه های از پختن غذا و تمیز کردن خانه نشان داده می شود.

در ابتدای فیلم با تذکر پزشک به سارا مبنی بر اینکه تنها راه بهبودی حسام بردن او برای درمان به خارج است و سپس شاهد بودن سارا در هنگام درد و رنج شدید و فریاد های حسام از بیماری نا خودآگاه بیننده در ذهن خود مهر تاییدی بر اعمال سارا و تصمیمات او میزند.

سارا برای بازپرداخت پولی که از گشتاسب قرض گرفته است مجبور می شود دور از چشم حسام در هر وقتی که از کار خانه فراغت داشته باشد به زیرزمین برود و مشغول مروراید دوزی روی لباس عروس شود که در طی این روند چند ساله چشمانش به شدت ضعیف می شود.

سارا در تمام طول فیلم با وجود استرس و اضطرابی که از فاش شدن رازش دارد به این امیدوار است که چیز شگفت انگیزی رخ دهد و حسام پس از فهمیدن موضوع بدهی او به گشتاسب و جعل امضایش تمام مسئولیت ها را به عهده بگیرد و همانند سارا که برای او اینهمه فداکاری کرده حسام نیز به همین اندازه به سارا عشق داشته باشد و سارا را حمایت کند اما با چیزی کاملاً خلاف با این مواجه میشود و در نتیجه تمام ذهنیت خوب خود نسبت به حسام را از دست می دهد، به یک نوع از پوچی نسبت به تمام زندگی - اش می رسد و از توهمات که در تمام این سالها از انسان های اطرافش من جمله همسر و پدرش داشته خلاص می شود و گویی انگار از شخصیت خود در تمام این سالها متنفر و متوجه اشتباهاتش درباره ی شناخت همسرش می شود.

دیدگاه حسام نسبت به سارا به مثابه ی یک عروسک بی دست و پا و به نوعی یک خانم کوچولو است که برای هر کارش باید از حسام اجازه بگیرد و توان برآمدن از عهده ی خودش را ندارد. این طرز دیدگاه به طور کلی در گفتگو های او بار سارا مشهود است. این دو هیچگاه کاملاً جدی با یکدیگر صحبت نمی کنند و همیشه حرف مهم و آخر را حسام میزند.

حسام تنها به کار و حیثیت خود اهمیت می دهد و به محضی که این دو را در خطر می بیند کاملاً به هم می ریزد و شخصیت واقعی خود را به سارا نشان می دهد؛ او پس از فهمیدن قضیه ی قرضی که سارا از گشتاسب گرفته و همچنین امضائی که جعل کرده به قدری سارا را کوچک می کند که حتی او را دیگر لایق هم نشینی و تربیت فرزندش هم نمی داند و همچنین به او تهمت خیانت می زند.

پس از اینکه خطر از حسام و موقعیت اجتماعی او دور شد، حسام با خوشحالی و شوق زیاد می گوید که دیگر آزاد شده است و او و سارا می توانند دوباره مانند قبل باشند و همه چیز را از سر بگیرند اما به ناگهان متوجه می شود که سارا تغییر کرده است و دیگر حاضر نیست با او زندگی کند.

سارا در سیر داستان دچار دگرگونی می شود، در ابتدا در توهم و خیالات خود به سر می برد و تصور میکند که حسام عاشق اوست اما پس از اینکه متوجه می شود حسام عاشق کار و زندگی اجتماعی خودش است و سارا در چشم او عروسکی بیش نیست که صرفاً موظف است کار های خانه را انجام دهد؛ عشق و علاقه اش را نسبت به حسام کاملاً از دست میدهد، متوجه می شود که از اول زندگی و حتی در خانه-ی پدرش نیز هیچ حق خاصی در تصمیم گیری و اظهار نظر نداشته و تنها نقش سکوت اختیار کردن و اطاعت اوامر مردهای زندگیش بوده است.

اینگونه است که سارا تصمیم می گیرد از این فضا و آدم هایش دور شود و برای زندگی خودش تصمیم بگیرد و خودش را تربیت کند تا بتواند زمانی به عنوان یک انسان آزاد زندگی کند.

می توان تغییر آشکار نگرش های سارا را در مقایسه ی مابین دو صحنه دریافت؛ در سکانسی در اوایل فیلم که او با خوشحالی و رضایت و همچنین افتخار به خود به دوستش سیما می گوید که نان بازوی خودش را می خورد و صحنه ی پایانی فیلم که به حسام می گوید که با یادآوری روز هایی که در رنج و سختی سپری کرده حالش از خودش به هم می خورد و این جاست که متوجه می شویم سارا کاملاً تغییر کرده است.

در واقع شخصیت سارا را می توان به بسیاری از زنان ساده خانه دار تعمیم داد، همچنین واکنش سارا در پایان فیلم نیز حرکتی نمادین است از بغض فروخورده ی این قشر در تمام عصر ها.

به همراه بردن کودک توسط مادرش سارا با وجود مخالفت حسام در پایان فیلم، او را چند قدم از نورای نمایش نامه ی ایبسن به پیش می اندازد و در موقعیت قدرتمندتری قرار می دهد و نشان می دهد که سارا دیگر اجازه نمی دهد حسام بر روی زندگی او هیچ کنترلی داشته باشد.

## نماد ها

در طول سکانس های فیلم صحنه های نمادین نسبتاً زیادی را می بینیم که بیشترشان وامدار نمایشنامه هستند و هنرمندی کارگردان در اینجا است که نماد هایی از نمایشنامه را که با زندگی ایرانی تداخل دارند و اروپایی هستند جایگزین صحنه هایی با همان مضمون منتهی ایرانی کرده است که در بعضی اوقات حتی از نمایشنامه ی ایبسن نیز تاثیرگذارتر شده است.

در ابتدای فیلم صحنه ای را می بینیم که شخصیت سارا در حال سیگار کشیدن است و به دور دست ها خیره شده که می تواند نمادی از درگیری های ذهنی و مشغولیات سارا باشد که تا پایان فیلم نیز ادامه دارد.

پس از آن شخصیت عمه خانم وارد می شود و به سارا تذکر می دهد که سیگار کشیدن برای زن باردار مضر است، در همین لحظه صورت سارا را می بینیم که نیمی در روشنایی و نیمی در تاریکی است که می تواند دلالت بر راز بزرگ او در ادامه ی داستان باشد و همچنین پنهان کاری او هنگام سیگار کشیدن نیز نمادی بر شخصیت فرمانبردار او از دیگران و ترس از انجام کار های دلخواهش است.

آماده کردن غذای عمه خانم توسط سارا نشانه ای از خانه داری و سرویس رساندن او به دیگران می - باشد که از ابتدا تا نقطه ی اوج داستان این شخصیت را حفظ می کند.

در صحنه ای پس از سه سال از بیماری حسام، سارا را در چشم پزشکی می ببینیم و متوجه می شویم که چشم او به سرعت ضعیف شده است و در عرض چند ماه شماره ی آن به شدت بالا رفته است که می - توان ضعیف شدن چشم سارا را نمادی از فداکاری او در راه نجات حسام و خانواده اش و مشغولیت های روز و شب های او دانست.

سپس نماد اصلی فیلم نمایش داده می شود، نگاه عروسک وار حسام به سارا و اینکه چگونه او را با الفاظی بچگانه صدا و سارا با صدای نازک کرده و غیرجدی توجیه و لخرجی خود در خرید را می کند و در طول داستان متوجه می شویم که شخصیت سارا نمادی از یک عروسک و بازیچه است.

سارا برای پرداخت قرض خود به گشتاسب به دور از چشم حسام و در هر وقتی که از خانه داری فارغ باشد به مروارید دوزی روی لباس عروس می پردازد و انتخاب لباس عروس توسط سارا برای پرداخت بدهی هایش نمادی از معصومیت و پاکی سارا دارد.

در سکانسی از فیلم که حسام برای دخترش عروسکی را خریده، نمای بسته ای از عروسک نشان داده می شود که باز می تواند نمادی از سارا و همچنین یادی از نمایشنامه ی خانه ی عروسک، منبع اقتباسی فیلم باشد.

در صحنه ی مروارید دوزی سارا قطره ای از خون او در اثر فرو رفتن سوزن به دستش روی لباس عروس میچکد و نشان دهنده لطافت فیزیکی و روحی است که او در راه فداکاری برای همسرش کشیده است.

اشک ریختن سارا در سکانسی از فیلم پس از میهمانی نشانه ای از مظلومیت و در فشار بودن اوست.

ترسیدن مردان درباره ی از دست دادن شغل و جایگاه اجتماعیشان و باختن آن به زنان از ناراحتی و تشویش گشتاسب از نشستن سیما پشت میزش قابل برداشت است.

نمایش فضای بازار مردانه که در طبقات بالاتر و در مقابل آن فضای کاری خانم ها در خیاط خانه ها در زیرزمین، نظام اجتماعی را ترسیم میکند.

راه رفتن سارا در خیابان چند قدم پشت سر حسام که برگرفته از سنت قدیمی راه رفتن زن و شوهر در انظار عمومی است، جایگاه سارا را به عنوان یک زن در زندگی سنتی حسام نشان میدهد.

سارا در پایان فیلم به جای اینکه بگریزد، شورش میکند و این نشان دهنده ی تغییر شخصیت و آزاد شدن او از عروسک بودن و بازیچه گرفته شدن توسط حسام است.

تفاوت فیلم و نمایشنامه

فضای زندگی اروپایی به زندگی ایرانی تغییر پیدا کرده، برای مثال درخت کریسمس، صندوق پست، وجود اتاق کار در منزل، رقص شخصیت زن داستان، نورا، که نمادی از عروسک بودن و بازیچه بودن اوست و در فیلم سارا به دلیل محدودیت ها حذف شده و به جای آن مهمانی منزل و رقص مردان و فشار کار آماده سازی مهمانی بر دوش سارا و تمیز کاری خانه توسط او جایگزین شده است و تاثیر مفهوم آن را از نمایشنامه بیشتر کرده است.

رقص نورا در نمایشنامه به زیرکی توسط هنریک ایبسن انتخاب شده است، در رقص تارانتلا رقصنده باید آنقدر به دور خودش بچرخد تا از فرط خستگی گیج شده و از پا بیفتد، این نوع از رقص نمادی از بازیچه و گرفتار بودن نورای نمایشنامه در دستان همسرش توروالد است، جایگزینی این صحنه در فیلم مهرجویی با خانه داری سارا و تلاش های او برای آماده سازی مهمانی ای که در آن فقط مردان در حال شادی هستند و همچنین چهره ی خسته از کار او که شادی ای در آن دیده نمی شود تاثیر این بازیچه بودن را به مراتب بیشتر از نمایشنامه نشان می دهد. کار های سارا در فردای مهمانی حتی سخت تر است و او مجبور است یک تنه تمام رفت و روب خانه را انجام بدهد.

در نمایشنامه شخصیتی به نام دکتر رنت وجود دارد که به طور مداوم به عنوان دوست خانوادگی در منزل نورا و توروالد رفت و آمد دارد و در خلال گفتگو های او با نورا در پایان فیلم متوجه میشویم که او عاشق نورا بوده است و همچنین درگیر بیماری ای کشنده می باشد و در روزهای پایانی زندگی اش به سر می برد؛ شخصیت دکتر رنت در فیلم سارا حذف شده است و به جای آن برخی از مکالمات بین نورا و دکتر رنت، بین سارا و حسام صورت می گیرد. حذف این شخصیت در ایرانی کردن و ملموس شدن فیلم سارا نقش به سزایی داشته به این دلیل که در فرهنگ ایران وجود یک دوست مرد خانوادگی و رفت و آمد های مداوم او و همچنین مرآوده با زن خانواده بدون حضور همسرش معمول به نظر نمی رسد اما به دلیل غیرمحوری بودن شخصیت دکتر رنت حتی در نمایشنامه ی خانه ی عروسک، نبود او لطمه ای به روند داستان فیلم نزده است.

بازه ی زمانی رخداد های نمایشنامه در سه روز مانده به کریسمس و پایان سال اتفاق می افتد اما در فیلم سارا این زمان بسط داده شده است و همچنین فیلم بر خلاف نمایشنامه که در زمان حال آغاز می شود با زمان گذشته و بیماری حسام آغاز شده و پس از نمایش بیماری کشنده و شدید او و سختی های سارا در مشاهده ی زجر و درد همسرش و همچنین تصمیم او برای عمل به توصیه ی پزشک و بردن حسام به خارج از کشور برای درمان، به سه سال بعد و اتفاقات اصلی داستان می پردازد.

به همراه بردن بچه توسط سارا یکی از آشکار ترین تفاوت های مابین نمایشنامه و فیلم محسوب می شود؛ این اتفاق باعث شده است که با مقایسه ی این دو اثر به ویژه در نقطه ی اوج داستان، شخصیت قدرتمندتری را برای سارا نسبت به نورا قائل بشویم، همچنین یکی دیگر از نمادهای زندگی زنان ایرانی و وابستگی شدید آنها به فرزندانشان نمایش داده می شود.

نقطه ی اوج فیلم

پس از افشا شدن راز سارا نزد حسام و رفتار های تحقیرآمیز حسام با او، گشتاسب به واسطه ی دوست دوران کودکی سارا به نام سیما و حال نامزد او تصمیم می گیرد تمام سفته های سارا را به او برگرداند و راز جعل امضای پدرش زیر سفته ها را مخفی نگه دارد. گشتاسب تصمیم خود را طی نامه ای به حسام می نویسد و حسام پس از مطالعه ی این نامه به شدت خوشحال شده و همسرش سارا را که چند روز به حضور خود نپذیرفته بود به یک باره فرا می خواند. حسام تصمیم گشتاسب به پایان کشمکش ها را به سارا می گوید و بلند فریاد می زند که نجات یافته است و از سارا می خواهد که نزد او بیاید و دوباره همه چیز را به روال قبلی برگردانند، در این لحظه متوجه اطمینان سارا از بیان یک تصمیم مهم می-شویم، سارا تمام افکار درونی و خفه شده اش در طی سال های زندگی با حسام را به زبان می آورد و به او می گوید که چگونه در تمام مدت زندگیش با او مثل یک عروسک و بازیچه رفتار می شده و مجبور بوده همیشه حرف مردان زندگیش را کاملاً قبول کند و حقی برای اظهار نظر و تصمیم گیری برای خود را نداشته باشد. در طی بازگو کردن این افکار با تعجب شدید حسام مواجه می شود و اینکه او چگونه حرف های زنش را عجیب و غیر قابل فهم می داند. سارا سپس به حسام می گوید که دیگر تحمل زندگی با این شرایط را با او ندارد و نیازمند است که خودش را تربیت کند و انسان جدیدی شود، سارا به شدت از فداکاری های خود در راه نجات شخصی مانند حسام و ضعیف شدن چشم هایش به خاطر او اظهار پشیمانی می کند و می گوید که با یادآوری تلاش های شبانه روزی اش برای پرداخت قرض به گشتاسب از خود متنفر می شود، همچنین اظهار می کند که با شناخت شخصیت حسام متوجه شده است که در تمام این سالها در واقع با یک غریبه زندگی می کرده است و دیگر حسام را دوست ندارد.

سارا دیگر حاضر نیست زندگی خود با حسام را لحظه ای تحمل کند و به همراه دخترش او را ترک می-کند. سارا در نهایت می گوید که شاید زمانیکه هر دو تغییر کردند بتوانند دوباره روزی به عنوان دو انسان آزاد با هم زندگی کنند.

## نتیجه گیری

هدف از این مقاله تحلیل یک فیلم در مورد زندگی بسیاری از زنان جامعه و نگاه مردان به آنها به ویژه به عنوان همسرشان و همچنین تحلیلی از نماد های به کار رفته در یک اثر هنری و معنای پنهان شده در پشت آنها بود.

توجه به نماد ها در یک فیلم، نمایشنامه و به طور کلی یک اثر هنری به ما کمک می کند که صرفاً به معنای اولیه و ساده ی یک موضوع توجه نکرده و در پس رمزگشایی و پیدا کردن معنای ثانویه ی آن برآییم.

با رمزگشایی از نماد های فیلم سارا و درک مفهوم به کارگیری آنها تماشای این اثر هنری بر روی بیننده اثری بسیار عمیق تر از حالتی می گذارد که او نسبت به دلیل به کار گیری آنها ناآگاه باشد؛ برای مثال



در صحنه ای از فیلم که سارا در پشت سر حسام در حال حرکت است و هیچگاه از او پیشی نمی گیرد معنای عمیقی از تسلط یک مرد ایرانی بر همسرش نهفته است اما در نظر شخصی بی توجه به معانی ثانویه ی نشانه ها، این صحنه صرفاً یک راه رفتن ساده است و قابل اهمیت نمی باشد.

نماد های به کار گرفته شده در این فیلم هم از جنبه ی فرهنگی و اجتماعی و هم از جنبه ی روانشناسی بررسی شده است، برای مثال نمادی که در پاراگراف قبلی به آن اشاره کردم یک نماد فرهنگی و با توجه به سنت های یک کشور مانند ایران می باشد و نمادی مانند مروارید دوزی سارا بر روی لباس عروس و برداشت پاکی و معصومیت او از این کار را می توان یک برداشت روانشناسی تلقی کرد.

سارای فیلم داریوش مهرجویی و نورای نمایشنامه ی هنریک ایبسن می توانند نماینده و سخنگوی بسیاری از زنانی باشند که چه در جامعه ی ایرانی و چه در یک جامعه اروپایی مورد ظلم و بی وفایی مردان قرار گرفته اند منتها راه حل آن ها برای نجات از خانه ی عروسکیشان توسط بسیاری از زنان جامعه اتخاذ نمی شود؛ عموم زنان به دلیل ترس از نافرمانی از همسرشان و نگاه جامعه به خود به جای آزادی و تغییر، ادامه ی زندگی با تحقیر را ترجیح می دهند. فیلم سارا می تواند به این دسته از زنان کمک کند که خود را از نظر روحی و شخصیتی تربیت کرده و از توهمات و تصوراتی که سارا نیز تا پیش از تغییرش درگیر با آن ها بود، آزاد شوند.

نگارش نمایشنامه ی خانه ی عروسک در قرن نوزدهم میلادی بسیار سنت شکنانه و جسورانه بود در آن زمان به ازدواج به عنوان امری بسیار مقدس نگاه می شد و زیر سوال بردن آن به شدت مباحثه برانگیز بود، به همین صورت در جامعه و فرهنگ ایرانی نیز زن خانه دار در دیدگاه عامه به اندازه ی یک مرد ارزش و مرتبت داده نمی شود و در بسیاری از خانواده ها اعتراض یک زن نسبت جایگاهش در زندگی بسیار تقبیح می شود و این دسته از زنان آزادی طلب حتی توسط هم جنسان خودشان سرزنش می شوند، شاید به این دلیل مهم که آن زنان سرزنشگر هیچگاه به خود این جسارت را نداده اند که از بالا به زندگی شان نگاه کنند و جایگاه خود را بسنجند.

## منابع

[www.arthamadan.ir](http://www.arthamadan.ir) نقد جمعی فیلم سارا توسط اعضای خانه ی فیلم

Filmdarmani20.blogfa.com فیلم درمانی سارا: اختلال شخصیت وابسته

[www.litcharts.com/lit/a-doll-s-house/symbols](http://www.litcharts.com/lit/a-doll-s-house/symbols)

(Symbolism in a doll's house) [www.bachelorandmaster.com](http://www.bachelorandmaster.com)

(Symbols in Henrik Ibsen's 'A Doll's House') [www.ukessays.com](http://www.ukessays.com)

هال، استوارت(1382) رمز گذاری و رمز گشایی، در مطالعات فرهنگی، ترجمه ی شهریار وفقی پور، تهران، تلخون